



# جایزه‌ی اندرسن و ایرانی‌ها

گزارشی از نشست اعضای شورای کتاب کودک  
با حضور زهره قایینی

هلیا قاضی میرسعید

جایزه‌ی هانس کریستین اندرسن هر دو سال یک بار از سوی داوران برگزیده‌ی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) به بهترین نویسندگان و تصویرگران ادبیات کودک در سراسر جهان اهدا می‌شود. دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان تا سال ۱۹۶۶ این جایزه را به مجموعه آثار یک نویسنده اهدا می‌کرد و از این سال به بعد مجموعه آثار یک تصویرگر را نیز در ردیف دریافت جایزه قرار داد. شورای کتاب کودک که از سال ۱۳۴۳ به عضویت این سازمان درآمد و مسئولیت معرفی نویسنده، تصویرگر و معرفی کارشناس برای عضویت در هیئت داوران این جایزه را برعهده گرفت. از ایران تا کنون تنها فرشید مثقالی در سال ۱۳۵۳ این جایزه را دریافت کرده است.

اما این دوره از جایزه اندرسن با دو اتفاق مهم برای ایرانیان همراه بود، یکی ریاست هیئت داوران توسط زهره قایینی و دیگری حضور احمدرضا احمدی در بین ۵ فینالیست نهایی.

اما داوران این مهم ترین جایزه ادبیات کودک جهان، دیوید آلموند را به دلیل آفریدن آثاری با سبک رئالیسم جادویی برای کودکان و شیوه داستان‌سرایی یکتایش که تخیل مخاطبان نوجوانش را به کار می‌اندازد و آن‌ها را به خواندن و اندیشیدن مشتاق می‌کند، تحسین کردند. آن‌ها، او را از میان ۲۸ نویسنده برجسته از سراسر جهان سزاوار دریافت جایزه‌ی نویسندگی هانس کریستین اندرسن دانستند.

اما یوتا باوئر تصویرگر آلمانی و برنده‌ی جایزه‌ی تصویرگری اندرسن، به دلیل رویکرد فلسفی‌اش در کار تصویرگری، اصالت، خلاقیت و تواناییش در برقراری ارتباط با مخاطبان جوان، مورد توجه هیئت داوران قرار گرفت و از میان ۲۷ تصویرگر برجسته دیگر از سراسر جهان، جایزه اندرسن را از آن خود کرد. داوران، باوئر را راوی توانایی دانستند که با تصویرگریش، دو دنیای افسانه و واقعیت را به هم می‌آمیزد و می‌پیوندد.

این دو نویسنده و تصویرگر از میان پنج فینالیست دریافت جایزه از کشورهای ایران (احمدرضا احمدی)، برزیل، سوئد، دانمارک، آلمان، بلژیک، سوییس و کرواسی در دو بخش نویسندگی و تصویرگری، برگزیده شدند. مراسم اهدای جایزه در جریان سی و دومین کنگره جهانی IBBY در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ در شهر سانتیاگو دکامپوستلای اسپانیا برگزار می‌شود.

### زهره قایینی: اندرسن به نوبل کودک شهرت دارد

در همین راستا شورای کتاب کودک، در جلسه‌ی اخیر خود از زهره قایینی که ریاست هیئت داوران را به عهده داشت، دعوت کرد تا در نشست‌ی که با حضور اعضا و علاقمندان برگزار شد، توضیحاتی راجع به این دوره از جایزه‌ی اندرسن ارائه کند.

زهره قایینی به عنوان اولین سخنران جلسه، ضمن تشکر از تمام اعضای شورا که در دو دوره داورى او را همراهی کردند، صحبت‌های خود را با توضیحی درباره‌ی تاریخچه‌ی جایزه اندرسن آغاز کرد: «فکر می‌کنم همه شما کم و بیش راجع به جایزه‌ی اندرسن اطلاع داشته باشید اما برای کسانی که ممکن است ندانند اشاره کوتاهی به آن می‌کنم این جایزه به نوبل ادبیات کودک، نوبل کوچک معروف است. البته ما دو جایزه مهم جهانی در ادبیات کودک داریم که قدیمی ترین آن جایزه اندرسن است و جایزه آلمان که گرچه گرانتر است اما طرفداران و اعضای ایبی بی جایزه اندرسن را مهمتر می‌دانند، علیرغم اینکه پولی به برندگان داده نمی‌شود و حتی پلاک طلا هم طلای واقعی نیست و آب طلاست. در نتیجه ارزش این جایزه مادی نیست بلکه به جایگاه این جایزه در جهان مربوط می‌شود و تنها جایزه بین المللی است که داوران آن هم بین المللی هستند در حالی که داوران جایزه آلمان سوئدی هستند و داوطلبانه کار نمی‌کنند و برای کاری که انجام می‌دهند حقوق می‌گیرند و یک سال روی آثار کار می‌کنند. ولی داوران اندرسن همه داوطلبانه کار می‌کنند و از سراسر جهان هستند. جایزه‌ی اندرسن هر دو سال یکبار به یک نویسنده و یک تصویرگر تعلق می‌گیرد.»

### داوری در فضای مجازی

قایینی سپس به روند داوری اشاره کرد: «در این دوره من همراه با ۱۰ کارشناس از کشورهای آمریکا، مکزیک، مصر، اسپانیا، سوئد، بلژیک، اسلونی، آرژانتین، برزیل و سوییس کار داوری را انجام دادیم. همان‌طور که می‌دانید یکی از وظایف رییس هیئت داوران این است که روند داوری بهتر و درست‌تر انجام شود. وقتی بار دوم در کنگره‌ی کپنهاگ انتخاب شدم به دنبال راهی بودم که حاصل کارم بهتر از دفعه گذشته شود. بازتاب هیئت مدیره نسبت به وبلاگی که من در دوره گذشته برای داوران درست کرده بودم و برخورد مثبت ۱۰ داور سال ۲۰۰۸، من را مطمئن کرد که راه درستی را رفته بودم بنابراین در سال ۲۰۱۰ وبلاگ را ارتقا دادم یکی از همکاران من در موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، مهرداد محمدی زحمت کشید و وبلاگی را که برای ۲۰۰۸ درست کرده بود، ارتقا داد و عناوین جدیدی به آن افزود. در این دوره ۲۸ نویسنده و ۲۷ تصویرگر کاندیدا بودند و در کل ۵۵ نفر از ۳۲ کشور حضور داشتند. برای هر کدام از این ۵۵ نفر یک مدخل باز شد که داوران می‌توانستند نظرات خود را درباره‌ی آنها ارائه کنند و البته این نظرات قابل تغییر هم بود. فکر اصلی من در پافشاری برای بهتر شدن وبلاگ این بود که کمک کنم بحث داوری جایزه‌ی اندرسن دموکراتیزه‌تر شود. یکی از مسائلی که ما روی آن تاکید داشتیم، بحث معیارها بود. معیارهایی هستند که رییس هیئت داوران هر سال بنا بر سنت برای داوران معیارهای کلی را ارسال می‌کند و از داوران می‌خواهد

که اگر نظری دیگری دارند مطرح کنند. این معیارها، هم در وبلاگ هیئت داوران بود و هم در سایتی که راه اندازی کردم. هدف اصلی از راه اندازی سایت، ابتدا گروه‌های بررسی شورای کتاب کودک بود و بعد همه علاقه‌مندان به کتاب کودک در ایران و کشورهای فارسی زبان که بتوانند راجع به زندگی و کار همه‌ی کاندیداها اطلاعاتی کسب کنند. از آنجا که این سایت تنها از سوی عده کمی با استقبال مواجه شد، تصمیم گرفتیم آن را دو زبانه کنم و سایت به زبان انگلیسی و فارسی برنامه ریزی شد.»

## مشکلات داوری

رییس هیئت داوران اندرسن مشکلات داوری را برشمرد: «یکی از مشکلات داوری درک مفاهیمی است که نویسنده یا تصویرگر به کار گرفته است. در نتیجه برای حل شدن این مشکل و انجام کار داوری به شکل گروهی، قرار شد داوران راجع به آثاری که از کشور خودشان در این دوره شرکت کرده، توضیحاتی ارائه کنند و البته این یکی از دلایل تاکید اندرسن برای حضور داوران بین المللی است. پس از ۹ ماه بررسی و دو روز جلسه حضوری، هیات داوران به این نتیجه رسید که دیوید آلموند نویسنده‌ی انگلیسی و یوتا باوئر تصویرگر آلمانی برنده‌ی این جایزه شوند. در بیانیه‌ای که از سوی هیات داوران نوشته و منتشر شد، مطرح شد: «داوران سبک رئالیسم جادویی آلموند برای کودکان را ستودند و براین باورند که آلموند با برانگیختن تخیل کودکان و نوجوانان آنها را به خواندن و اندیشه ورزی بیشتر، تشویق می‌کند. او مخاطبان خود را به تفکر انتقادی رهنمون می‌سازد و زبان پیچیده را به کار می‌گیرد که طیف‌های گوناگون سنی می‌توانند خواننده‌ی آثار او باشند.» در مورد تصویرگر برنده هم این بیانیه اشاره کرده: «باوئر همچون راوی قدرتمندی از راه تصویرهای خود زندگی واقعی را با افسانه درهم می‌آمیزد.» داوران رهیافت فلسفی اصالت خلاقیت و همچنین توان او در ارتباط گیری با مخاطبان خود را در آثار این تصویرگر ستودند. در این دوره از بین ۲۸ نویسنده‌ای که نامزد شدند، تعداد قابل توجهی نویسنده داستانهای کوتاه شعرگونه بودند که یکی از آنها احمدرضا احمدی بود. از یکطرف برای داوران خیلی خوب بود که کتاب‌ها خیلی کم ورق بودند، ولی نکته‌ای که برای داوران بسیار مشکل بود درک استعاره‌ها و زبان شعرگونه شاعر-نویسنده‌ها بود. ضمن این که داوری از راه ترجمه بود چون بیشتر کسانی که چنین آثاری را ارائه کرده بودند، غیرانگلیسی زبان بودند و من به عنوان رییس هیئت داوران کار آن‌ها را ستودنی می‌دانم چون هر ۴ فینالیست ما نویسندگان داستان‌های کوتاه شعرگونه بودند: برزیل، سوئد، ایران و دانمارک. در اعلامیه که برای ۴ فینالیست نوشته شد هم به این مسئله اشاره شد.

## ترویج گران ادبیات کودک

به باور من جایزه اندرسن می‌تواند چیزی بیشتر از تعیین برندگان باشد می‌تواند کشف جایگاه بسیاری از



نویسندگان و تصویرگران در ادبیات کودک و نوجوان باشد. درین ۲۸ نامزد نویسنده، برخی ترویج گر ادبیات کودک و خواندن بودند. «فابرا» از اسپانیا فقط به عنوان یک نویسنده مطرح نیست بلکه به عنوان یک مروج کتاب هم او را می‌شناسند. این موضوع برای من و دیگر داوران جالب بود. «جامبا» در مغولستان که تا کنون ۷۰ کتاب نوشته، مروج کتابخوانی بوده است و کتاب‌ها را بار شتر می‌کند و در استپ‌های مغولستان به دست بچه‌های فقیر می‌رساند که این برای من و دیگر داوران قابل تقدیر بود البته طرح جامبا برای کتابخانه‌ی سیارش در سال ۲۰۰۶ جایزه‌ی آساهی را از آن خود کرد.

### معیارهای جایزه اندرسن

جایزه‌ی اندرسن با دو معیاری که دارد بسیار معروف شده است: یکی مجموعه آثار نویسنده و تصویرگر و دیگری داشتن سهم جاودان در ادبیات کودک. این دو معیار بسیار بحث برانگیز بوده است. یکی از مسائلی که داوران همیشه راجع به آن بحث می‌کنند این است که شاید برخی سهم جاودان در ادبیات کودک داشته باشند اما گاهی خود را تکرار می‌کنند.

اینده دلسرت سویسی بسیاری از تصویرگران دنیا را در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ تحت تاثیر قرار داده است. اگر کتاب‌های کانون را در دهه‌ی ۵۰ بررسی کنید از آقای مثقالی گرفته تا دیگران بزرگنمایی‌های دلسرت در کار آن‌ها بسیار دیده می‌شود.

### طرح پرسش

قایینی در ادامه جلسه درباره شیوه مدیریتی خود توضیح داد: «روند داوری ۹ ماه طول کشید و در ماه فوریه من از هیئت داوران خواستم که یک لیست کوتاه از کاندیداهای برتر خودرا ارائه کنند که از این لیست‌ها یک لیست ۱۵ نفره تهیه شد. کار دیگری که امسال من انجام دادم این بود که در میز بحث این دو پرسش را مطرح کردم که چرا به این ۱۰ نفر رای دادند و چرا به برخی کاندیداها اصلا رای ندادند. پرسش دوم را به این دلیل مطرح کردیم که یک احترامی باشد به گزینش شاخه‌های ملی. با این آمادگی جلسه‌ی دو روزه، راحت‌تر انجام شد. امسال جلسه یک هفته قبل از اعلام برندگان نهایی برگزار شد و این یک هفته به اعلام فینالیست‌ها و برندگان اختصاص پیدا کرد و در نهایت در یک کنفرانس مطبوعاتی در بلونیا من از طرف ۱۰ داور، ۲ برنده را معرفی کردم که جوایز آنها در سی و دومین کنگره در اسپانیا برگزار و به برندگان اهدا می‌شود.»

در ادامه مینا یوسفی درباره‌ی راه اندازی سایت و قسمت‌های مختلف آن توضیحاتی ارائه داد. سپس شهلا انتظاربان درباره‌ی ۴ فینالیستی که به همراه دیوید آلموند به مرحله‌ی نهایی راه یافته بودند، توضیحاتی ارائه کرد:

**لنارت هلسینگ:** نماینده سوئد متولد ۱۹۱۹ است و با سن بالایی که دارد همچنان فعالیت دارد. اولین کتابی که هلسینگ برای کودکان چاپ کرد در سال ۱۹۴۵ بود که از آن زمان ۶۰ اثر از وی به چاپ رسیده است کتاب معروف او تخم مرغ نام دارد که بارها جوایزی را از آن خود کرده است.

**احمد رضا احمدی:** کسی است که برای اولین بار توانسته نامزد دریافت جایزه اندرسن شود و این باعث افتخار ماست. اولین کتاب او من حرفی دارم که فقط شما بچه‌ها باور می‌کنید است که به دلیل شرایط سیاسی روز خود، خمیر شد. آثار او به زبان‌های ارمنی، عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، کره ای چاپ شده است. مدتی مدیریت بخش هنری کانون را بر عهده داشت و پس از وقفه‌ای، دوباره فعالیت خود را به شکل مستمر آغاز کرده است

**لوئیس جنسن:** نامزدی از دانمارک در سال ۱۹۴۳ به دنیا آمد که از سالهای جوانی شعر می‌سرود و او کسی است که با اندرسن مقایسه می‌شود. جوایزی متعددی را کسب کرده است. برخی آثار او به نمایش درآمده و برخی در کتاب‌های درسی دانمارک تدریس می‌شود.

**بارتو کمپو دکوپرس:** در ۱۹۷۰ اولین کتاب خود را منتشر کرد و تا کنون ۵۰ اثر به زبان‌های مختلف از او به چاپ رسیده است. چندین جایزه ملی و بین‌المللی در کارنامه خود دارد. از ویژگی آثار او بازی با کلمات و ریتمی است که برای بیان داستان به کار می‌گیرد.

### آلموند از تنهایی و سرگردانی انسان می‌گوید

در ادامه برنامه نسرین و کیلی، مترجم آثار دیوید آلموند پشت تریبون رفت تا مختصری راجع به بیوگرافی برنده

جایزه‌ی اندرسن صحبت کند: «دیوید آلموند (متولد ۱۹۵۱ در انگلستان) پیش از نوشتن برای کودکان و نوجوانان برای بزرگسالان می‌نوشت، اما با اولین رمان خود برای نوجوانان به نام اسکلیگ در عرصه ادبیات کودکان و نوجوانان به چهره‌ای جهانی تبدیل شد و این کتاب زندگی مادی و معنوی او را متحول کرد. او بر اساس کتاب اسکلیگ و بوته‌زار کیت و چشم‌بهشتی نمایشنامه‌هایی تنظیم کرده که روی صحنه رفته‌اند. در این مورد دیوید آلموند می‌گوید: «... در فستیوال کتاب ادینبورگ نمایش اسکلیگ و بوته‌زار کیت را دیدم و خیلی هیجان‌زده شدم... بازی‌های خوب، موسیقی محشر در بعضی لحظات واقعاً تکان‌دهنده و هولناک بودند.»

او در یکی از داستان‌های خود از تکامل و دگرگونی، تغییر شکل دادن‌های بی‌نهایتی که ما را به شکل امروزی درآورده است، می‌گوید و در داستانی دیگر از آفرینش انسان از خاک و دمیدن روح در او و بازگشتش به خاک سخن به میان می‌آورد. در مورد گونه ادبی کتاب‌های او در حالی که گروهی از منتقدان بعضی از آثار او را رئالیسم جادویی و بعضی دیگر را سوررئال می‌دانند، او خود را یک رئالیست می‌داند. او معتقد است مرز شفافی بین زندگی عادی و زندگی ماورایی وجود ندارد. می‌گوید: در خانواده به او آموخته‌اند معتقد باشد هم این دنیا وجود دارد و هم دنیای بعد که خیلی هم زیباست، اما در حقیقت خود این دنیا یک معجزه است. در آثار او رؤیا و خاطره نقش بسزایی دارند، او این دو عنصر را با واقعیت و تخیل، استادانه در هم می‌تند و دنیای شگفت‌انگیز دیگری خلق می‌کند. شخصیت‌های رمزآلود و مکان‌های وهم‌انگیز و امکان وقوع ناممکن‌ها فضای داستان‌های او را به وجود می‌آورند. نثر غنی و شعرگونه و ساختارهای گاهی پیچیده داستان‌ها و دیدگاه‌های فلسفی و نگرش او به هستی، طرح مسائل اساسی و همبستگی بشر، آثار او را متمایز کرده است. بن‌مایه اصلی داستان‌های دیوید آلموند را خاطرات دوران کودکی او شکل می‌دهند. بسیاری از فضاها و شخصیت‌های داستانی او شخصیت‌های زمان کودکی و نوجوانی او انطباق دارند و تکرار بخشی از آن‌ها را در داستان‌های کوتاه و رمان‌های او نیز می‌بینیم. بیماری و مرگ پدر، مرگ خواهر کوچکش و نظر مادر در مورد فرشته‌ها، کلیسا، پرورش در یک خانواده مذهبی و شخصیتی به نام پدر اوماهونی در بعضی از داستان‌ها تکرار می‌شود. خرابه‌ها، انبارها و کارخانه‌های متروکه و بیش از همه فضای درون معدن و غار و به نوعی مکان‌های تاریک و پررمز و راز در اکثر رمان‌های او وجود دارند. آلموند در آثار خود نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از هویت انسان را گذشته و خاطرات و یادگارهای مادی و معنوی تشکیل می‌دهد. او از خاطره به عنوان نیرویی شفاف‌بخش نیز یاد می‌کند. قدرت معجزه عشق و ایمان و امید به زندگی را در همه کتاب‌های آلموند می‌توان دید. از تم‌های دیگر داستانی او نقش خانواده و شرایط جامعه در شکل‌گیری شخصیت‌ها است. بیش‌تر ناهنجاری‌های رفتاری را در شخصیت‌های نوجوانی می‌بینیم که در خانواده‌های نابسامان رشد می‌یابند. او از تأثیر ویرانگر جنگ جهانی دوم و وحشت از بروز جنگی دیگر بر شخصیت‌های داستانی خود غافل نمی‌ماند. تم دیگر در داستان‌های او هنر و ارتباط هنرها با یک‌دیگر است و تأثیر شگرفی که هنر در تلطیف روح افراد و بهبود آلام درونی، بر جا می‌گذارد. دیدگاه‌های فلسفی و هستی‌شناسانه او را در همه آثارش می‌توان دید. مرگ و زندگی، نور و تاریکی، غم و شادی، رنج و لذت. او شخصیت‌های خود را به وادی مرگ، تاریکی، غم و رنج می‌برد. اما در نهایت زندگی و نور و امید است که پیروز می‌شود و اگر هم راه برگشتی نماند، معنایی در آن مرگ یا رنج می‌یابد. آلموند از تنهایی و از سرگردانی انسان هم می‌گوید و راه‌گریز از آن‌ها را به زیبایی نشان می‌دهد. این نویسنده موفق سال‌ها در مدارس سابقه تدریس داشته و در حال حاضر دانش‌آموزانی که به دلایل گوناگون مشکل یادگیری دارند، آموزش می‌دهد. پس اگر تا این حد نوجوانان را می‌شناسد و امیال و آرزوهای آن‌ها را در رؤیا و بیداری و تخیل آن‌ها به تصویر می‌کشد، عجیب به نظر نمی‌رسد.»

سپس سحر ترهنده توضیحاتی راجع به فینالیست‌های تصویرگری ارائه کرد و پس از آن جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد که حاضران به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند.

در کنار این نشست که در دفتر شورای کتاب کودک برگزار شد، تعدادی از کتابهایی که در جایزه جهانی اندرسن سال ۲۰۱۰ نامزد دریافت جایزه شده بودند، برای بازدید نویسندگان و تصویرگران ایرانی به نمایش آمد. این مجموعه از سوی دبیرخانه این جایزه جهانی به زهره قایینی رییس هیات داوران جایزه ۲۰۱۰ هانس کریستین اندرسن اهدا شده که او هم آنها را به شورای کتاب کودک اهدا کرد.

\* علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نامزدهای جایزه اندرسن می‌توانند به سایت آن که به دو زبان فارسی و انگلیسی طراحی شده، مراجعه کنند:

<http://www.chlhistory.org/andersen/>